

# درایة الحدیث

## عنوان دانش:

این دانش به نام‌های: درایة الحدیث، مصطلح الحدیث، اصول الحدیث و علوم الحدیث شهرت دارد که معروفترین آنها در شیعه، اولین عنوان است. با دقت در تعریف دانش و اهدافی که از آن انتظار می‌رود، به نظر می‌رسد در میان عناوین مطرح، عنوان مصطلح الحدیث به اهداف و مسایل آن نزدیکتر باشد. (اهل سنت بیشتر از دو عنوان مصطلح الحدیث و علوم الحدیث استفاده کرده‌اند).

## ۱. تعریف:

گرچه برای علم درایة الحدیث یا مصطلح الحدیث تعاریف مختلف ذیل ارائه شده است:  
الف. شهید ثانی: «علم یبحث فیہ عن متن الحدیث و طرقہ؛ من صحیحها و سقیمها و علیها، و ما یحتاج الیه لیُعرف المقبول منه من المرود.» (الرعاية فی شرح البدایة)  
ب. شیخ بهایی: «علمٌ یبحث فیہ عن سند الحدیث و متنہ و کیفیة تحمّله و آداب نقلہ.» (الوجیزة)

## ۲. موضوع:

موضوع علم مصطلح الحدیث، سند و متن حدیث است.

## ۳. اهداف:

هدف از آموختن این علم:  
۱. آشنایی با اصطلاحات مرتبط با حدیث؛ آگاهی از این اصطلاحات برای فهم انواع نوشته‌هایی که درباره حدیث است، اهمیت و کاربرد دارد.  
۲. شناسایی و تمییز حدیث معتبر از نامعتبر.

## بخش اول : مفاهیم اولیه

### ۱- حدیث:

لغت: جدید، وجود شیء بع از معدوم شدن.

اصطلاح شیعه: حکایت قول معصوم، فعل یا تقریر.

اصطلاح اهل سنت: اعم از قول نبی، صحابی، تابعی، فعل و تقریر آنها.

تقریر: امضاء و اقرار معصوم بر فعل و قول مسلمان بدون تقیه (با سکوت یا عدم انکار) یا (اظهار استحسان، مؤافقت یا تأیید).

### ۲- خبر:

لغت: مطلق هر چیزی که بوسیله آن گزارش می‌دهیم.

۱- مترادف با حدیث.

اصطلاح قول }  
۲- اعم از حدیث ( حدیث مختص معصوم).  
۳- مغایر با حدیث (حدیث مختص معصوم).

ممدت: کسانی که به سنت نبوی اشتغال دارند.

افبازی: الف) در نظر پیشینیان اهل حدیث: اهل تاریخ و سیره.

ب) فقهای شیعه: مقابل اصولی، برای شناخت احکام از برخی اصول مانند عقل و اجماع استفاده نمی‌کنند بلکه ظاهر خبر حجت

## ۳- اثر

لغت: برجای مانده از هر چیزی.

۱- مترادف با حدیث.

اصطلاح قول }  
۲- اعم از حدیث ( نظر مشهور خواه منسوب به پیامبر و امام یا صحابی و تابعی).  
۳- مغایر با حدیث (اثر برای صحابی و تابعی و حدیث مختص معصوم).

## ۴- سنت

در لغت: راه

در اصطلاح شیعه: نفس قول معصوم، فعل یا تقریرش.

سنت در اصطلاح سنت: حدیث.

فرق سنت با فبره مدیث: الف) سنت نفس قول معصوم ولی آنها حکایت.

ب) سنت همواره صحیح ولی آن دو ضعیف هم هستند.

سنت در اصطلاح فقها: الف) اغلب = مستحب. ب) گاهی مقابل بدعت (طلاق سنی و بدعی).

## ۵- روایت

در لغت: حمل و نقل.

در اصطلاح: حدیث.

## ۶- حدیث قدسی

تعریف: حکایت سخن خدا که بدان تعدی نشده باشد.

فرق با قرآن: ۱- قرآن معجزه. ۲- قرائت نماز با قرآن. ۳- منکر قرآن کافر. ۴- قرآن وحی توسط جبرئیل نه رویا و الهام. ۵- لفظ قرآن

از خدا. ۶- مس قرآن با طهارت.

# در آیه الحدیث

## ۷- متن :

- در لغت : قسمتی از زمین که محکم و برآمده است .
- در اصطلاح : قوام معنای حدیث بدان قسمت است .
- وجه تسمیه : متن حدیث مانند محل محکمی است که حدیث در آن قرار گرفته .

## ۸- سند :

- در لغت : تکیه گاه .
- در اصطلاح : طریق متن یعنی تمامی راویان .
- وجه تسمیه : اعتماد علمای حدیث در صحت حدیث و ضعف بر سند .
- اسامی دیگر : طریق و متن .

## ۹- اسناد :

در اصطلاح : نسبت دادن حدیث به گوینده آن با بیان سلسله راویان حدیث . ( گاهی مترادف با سند )

## ۱۰- طبقه :

- در لغت : گروه متشابه .
- در اصطلاح : گروهی از راویان حدیث که : ۱- تقریباً هم سن (البته لازم نیست). ۲- یک استاد یکسان را درک کرده اند (مهم).  
فائده شناخت طبقه راوی : ۱- تعیین اتصال و انقطاع سند . ۲- تشخیص راویانی که اسم خود و پدرانیشان یکسان است .  
اطلاعات مورد نیاز در تعیین طبقه : ۱- تاریخ تولد و وفات . ۲- آگاهی از مشایخ و شاگردان .

## بخش دوم : اصطلاحات مربوط به روایات

### ۱- صحابی :

- در لغت : همراهی ( معنای ثلاثی مجرد = مزید ) ، جمع = أصحاب و صحب ، استعماب صحابه (مصدر) به معنای أصحاب (جمع) .
- در اصطلاح : من لقی النبی ، مؤمناً به ، مات علی الإسلام .
- عدالت صحابه در نظر تسنن : همه عادلند یعنی تعمد بر کذب و انحراف در روایت ندارند و کاری نمی کنند که موجب عدم قبول روایت شود و روایات آنها بدن بحث ، قبول می شود .
- عدالت صحابه در نظر شیعه : مانند حکم عدالت دیگران یعنی عدالت باید احراز شود .
- مکثرین حدیث از صحابه : ۱- ابوهریره (۵۳۷۴) . ۲- عبدالله بن عمر (۲۶۳۰) . ۳- انس بن مالک (۲۲۸۶) . ۴- عایشه (۲۲۱۰) . ۵- عبدالله

# در آیه الحدیث

بن عباس (۱۶۶۰). ۶- جابر بن عبدالله (۱۵۴۰).

## ۲- تابعی :

در لغت : به دنبال کسی رفتن .

در اصطلاح : من لقی صحابياً مسلماً و مات علی الإسلام .

## ۳- مخضرم :

در لغت : بین مابین مانند لحم مخضرم = گوشتی که مذکر و مؤنث بودنش معلوم نیست .

در اصطلاح : جاهلیت و اسلام را درک بدون ملاقات پیامبر حال اسلامشان زمان پیامبر باشد یا بعد از آن. مانند نجاشی، اویس قرنی.

وجه تسمیه : قسم سومی بین صحابه و تابعی ( مشهور الحاق به تابعین) زیرا عدم ملاقات نبی در آن معتبر ولی صحابی

## ۴- مولی :

در لغت : از اضعاف به معنای مالک و عبد ، معتق و معتق ، و معانی دیگر مانند صاحب ، حلیف ، ولی ، رب ، ناصر ، محب و ... .

در اصطلاح : شخص هم پیمان یا آزاد شده و کافری که مسلمان شده به دست دیگری .

## ۵- شیخ :

در لغت : کسی که سنش زیاد گردد .

در اصطلاح : کسی که از او روایت گرفته شود حتی اگر جوان باشد .

جمع های شیخ : مشایخ ، شیوخ ، أشیاء ، مَشِیخَه .

شیخ در اصطلاح ممدتان : شیخ طوسی و منظور از شیخین : شیخ طوسی و شیخ مفید .

## ۶- مُسند :

در اصطلاح : کسی که حدیث را با سند نقل کند . حال علم به سند داشته باشد یا خیر .

## ۷- مُحدَث :

در اصطلاح : نقل روایت به همراه داشتن علم آن و دانستن احوال راویان .

## ۸- حافظ :

در اصطلاح : نزد بسیاری از محدثان مترادف با محدث ولی عده ای رتبه حافظ را برتر

## کنیه ائمه :

ابو جعفر: امام باقر علیه السلام و گاه به ندرت امام جواد علیه السلام  
ابو جعفر اول: امام باقر علیه السلام  
ابو جعفر ثانی: امام جواد علیه السلام  
ابو عبد الله: امام صادق علیه السلام گر چه کنیه امام حسین علیه السلام نیز هست.  
ابو ابراهیم: امام کاظم علیه السلام  
ابو الحسن: غالباً مراد امام کاظم علیه السلام است و گاه امام رضا علیه السلام یا امام هادی علیه السلام. گر چه کنیه امام علی علیه السلام نیز هست.

ابو الحسن ماضی: امام کاظم علیه السلام  
ابو الحسن اول: امام کاظم علیه السلام  
ابو الحسن ثانی: امام رضا علیه السلام  
ابو الحسن ثالث: امام هادی علیه السلام  
ابو الحسن اخیر: امام هادی علیه السلام  
ابو الحسن صاحب العسکر: امام هادی علیه السلام  
ابو محمد: امام عسکری علیه السلام  
ابو القاسم: امام زمان علیه السلام

## لقب ها :

عالم و شیخ و عبد صالح: امام کاظم علیه السلام  
فقیه: امام کاظم علیه السلام و گاهی امام هادی علیه السلام یا امام زمان علیه السلام  
الرجل: امام کاظم علیه السلام (و ائمه دیگر مثل امام رضا و هادی)  
صاحب العسکر: امام هادی علیه السلام  
عسکرین: امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام  
کاظمین: امام کاظم علیه السلام و امام جواد علیه السلام  
احدهما: امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام

## بخش سوم : اصطلاحات مربوط به اقسام حدیث

- ۱- **فیر متواتر** : لفظی : عین لفظ نقل شده است : من کنت مولاه فهذا علی مولاه .  
معنوی : معنای روایت نقل شده است : مانند شجاعت حضرت علی (ع) .
- ۲- **فیر واحد** .
- اقسام خبر**

**خبر متواتر : در لغت :** آمدن یکی پس از دیگری با فاصله .

- در اصطلاح :** خبر جماعتی که سلسله روات تا معصوم در هر طبقه بقدری زیاد باشد که امکات توافق بر کذب محال .
- شرایط :** ۱- خبر آن عن حس باشد . ۲- تعداد بقدری زیاد که توافق بر کذب محال . ۳- کثرت در تمام طبقات .
- مکم :** چون موجب علم و یقین پس فی نفسه حجت .

## خبر واحد :

**تعریف :** خبری که به حد تواتر نرسد .

**مکم :** همراه قرائن حجت ، بدون قرائن بعضی از اقسام آن معتبر .

- ۱- اصطلاحات مشترک مانند صحیح، حسن، موثق، ضعیف .
- ۲- اصطلاحات مختص به حدیث ضعیف مانند مقطوع، مرسل، مدلس، مظرب، مقلوب .
- تقسیمات بر اساس اصطلاحات**

## تقسیم اول خبر واحد

### ۱- مستفیض :

**در لغت :** اسم فاعل من «استفاض» . فاض الماء: کثر حتی سال. فاض الخبر و استفاض آی شاع.

**در اصطلاح :** در هر طبقه بیش از سه نفر، کمتر از حد تواتر. (گاهی به خبر مستفیض «مشهور»)

**مکم :** اعم از صحیح است. (مشترک)

### ۲- مشهور :

**در لغت :** اسم مفعول من «شهرت الامر» .

**در اصطلاح :** شایع نزد حدیث و اینکه روات کثیری از آنها نقل کنند .

# در آیه الحدیث

**نظر علامه صدر :** اگر راویان در هر طبقه، یا در بعضی از آنها بیش از دو نفر = مشهور .

**تفاوت با مستفیض و متواتر :** ۱- در مستفیض و متواتر تعدد راویان در همه طبقات شرط در مشهور چنین نیست بنابراین : مشهور، اعم از مستفیض و متواتر است .

## ۳- عزیز :

**در لغت:** کم و نادر یا قوی و محکم .

**در اصطلاح:** در هر طبقه حد اقل دو نفر .

**وجه تسمیه:** قلیل بودن این روایات و یا از طریق دیگر هم آمده .

## ۴- غریب :

**در لغت:** صفت مشبهه = منفرد یا دور از نزدیکان .

**در اصطلاح:** در تمام یا برخی طبقات فقط یک نفر ناقل هر چند در طبقات دیگر راویان متعدد .

**نکته:** اگر انفراد در نقل در ابتدای سند = مفرد

## ۵- مفرد ( فرد ) :

**در لغت:** اسم مفعول از افراد = الوتر ، بی مانند .

**مکم مفرد:** اعم از صحیح است .

**در اصطلاح:** مترادف با غریب است .

## انواع مفرد :

۱. **مفرد مطلق:** در میان راویان طبقه اول تنها یک نفر آن را نقل ، مانند روایاتی که تنها یک نفر از صحابه آن را از پیامبر نقل : **إنّما الاعمال بالنیّات** که در روایات اهل سنت تنها از طریق خلیفه دوم نقل شده است .

۲. **مفرد نسبی:** حدیثی که در اصل سند - یعنی طبقه اول - بیش از یک نفر آن را روایت ، **أمّا مثلاً** در طبقه بعدی تنها یک نفر آن را از ایشان نقل کرده .

## متفرد :

**تعریف :** تنها یکی از پیشوایان حدیث آن را نقل کرده .

**مثلاً حدیث :** «قال رسول الله صلى الله عليه وآله: كفى بالمرء إثماً أن يحبس عمن يملك قوته» که از کتب صحاح اهل سنت فقط صحیح مسلم آن را نقل کرده است، و لذا از متفردات مسلم به شمار می آید.

## متفق علیه (ج: متفقات)

**تعریف :** دو یا چند تن از پیشوایان حدیث روایت کرده باشند .

**مانند :** حدیثی که چند تن از صاحبان کتب صحاح اهل سنت آن را در کتاب خود نقل یا روایتی که مثلاً هم در کافی و هم در من لایحضره الفقیه آمده است.

## تقسیم دوم خبر واحد

### ۱- نزد شیعه

- ۱- **صمیم :** اتصال سند به معصوم و همه روایات امامی، عادل و ثقه در تمامی طبقات
- ۲- **حسن :** اتصال سند به معصوم و راوی امامی و ممدوح بدون نص دال بر توثیق.
- ۳- **موثق :** اتصال سند به معصوم و راوی ثقه غیر ۱۲ امامی.
- ۴- **ضعیف :** شروط یکی از حالات سابقه در آن نباشد.

### توضیحات صحیح

- ۱- **امامی :** قائل به امامت ۱۲ امام. یا به عبارتی تا امام زمانش را قبول داشته باشد.
- ۲- **عدالت :** ملکه نفسانی که موجب تقوی و ترک گناهان کبیره و صغیره و یا کارهایی که مخالف مروت است، می گردد.
- ۳- **صمیم مضاف :** روایت حدیث تا شخص ناقل صحیح ولی از او تا معصوم صحیح نباشد.

### نکات

- ۱- ثقه به تنهایی در کتب رجال شیعه دال بر امام بودن مگر مذهب او نیز ذکر شود مانند ثقه فطحی.
- ۲- تعابیر «عدل» و «حجه» به تنهایی دال بر ضابط و امامی بودن می کند.

### توضیحات حسن

- ۱- وقتی سند حسن است که حداقل یک راوی حسن ولی مابقی صحیح باشند.
- ۲- مراد از مدح، مدحی است که در تقویت سند دخالت داشته باشد مانند «متقن، حافظ و ...» بر خلاف «قاری، شاعر و ...»

### توضیحات موثق

- ۱- سندی که به کلیه افراد آن تصریح به وثاقت ولی حداقل یک نفر غیر امامی باشد.

### توضیحات ضعیف

- ۱- برخی از الفاظ که دال بر جرح : «ضعیف، کذاب، غال، و...»
- ۲- اقسام زیر جزء احادیث ضعیف : «مرسل، مقطوع، معضل، مضمهر، مضطرب، مقلوب، مدلس، معلل، موضوع، منکر، مطروح، متروک، مجهول، مهمل»

### ۲- نزد اهل سنت



- ۱- **صمیم**: دارای ۵ شرط: اتصال، عادل، ضابط، عدم شذوذ و عدم علت.
- ۲- **مسند**: دارای ۵ شرط: اتصال، عادل، خفیف الضبط، عدم شذوذ و عدم علت
- ۳- **ضعیف**: دارای صفات صحیح و حسن نباشد.

## توضیحات

- ۱- **عدالت**: از دیدگاه اهل سنت راوی مسلمان، بالغ، عاقل، غیر فاسق باشد و مروّثش مخدوش نباشد.
- ۲- **ضابطا**: کثیر الخطا نباشد.
- ۳- **عدم شذوذ**: شاذ یعنی راوی ثقه آن را نقل و مخالف مشهور باشد.
- ۴- **علت**: حدیث دارای سبب پیچیده و مخفی باشد که به صحت حدیث ضرر برساند در حالیکه سالم بنظر میرسد.

## تقسیم سوم: انتساب آخرین گوینده

- ۱- **مرفوع**: منتسب به معصوم (ع)، از نظر اهل سنت منتسب به پیامبر (ص)، حکم اعم از صحیح.
- ۲- **موقوف**: منتسب به صحابی از قول و فعل و تقریر. زیرا راوی در صحابه وقف کرده. حکم از نظر شیعه حجت نیست.
- نکته**: اگر سنی بگوید «کنا نقول أو نفعّل کذا فی زمن النبی» از نظر آنان در حکم مرفوع.
- ۳- **مقطوع**: منتسب به تابعی یا پایین تر از آن از قول و فعل. حجت ندارد.

## تقسیم چهارم: اتصال و انفصال سند

۱- **متصل یا موصول**: متصل + مرفوع = مسند (اعم از صحیح)

- |   |   |  |
|---|---|--|
| <ol style="list-style-type: none"> <li>۱- <b>منقطع (افص)</b>: افتادگی از وسط یک نفر</li> <li>۲- <b>مرسل (افص)</b>: اسناد تابعی به پیامبر (ص) بدون ذکر واسطه (حذف حداقل یک صحابی)، ضعیف</li> <li>۳- <b>معلق</b>: افتادگی از اول سند یک یا چند نفر متوالی</li> <li>۴- <b>مرفوع</b>: افتادگی از وسط یا آخر سند و تصریح به «رفعه». (مخصوص شیعه)</li> <li>۵- <b>مفضّل</b>: افتادگی حداقل دو نفر از هر کجای سند بصورت توالی. ضعیف است.</li> </ol> | } | <p>۲- <b>منقطع (اعم) یا مرسل (اعم)</b><br/>(عدم اتصال به معصوم مطلقاً)</p> |
|---|---|--|

## نکات:

- ۱- مسند کسی که حدیث را با سند ذکر کند.
- ۲- مسند گاهی در اصطلاح محدثان بر کتب حدیثی نیز اطلاق می شود. (کتبی که به ترتیب صحابه جمع شده اند)

- ۳- مراد از وسط، غیر طرفین سند می باشد.
- ۴- در مرسل از الفاظی مانند «عن رجل» یا «عن بعض» استفاده می شود.
- ۵- حکم مرسل در نظر شیعه فقط در مواردی خاص مورد اخلاف است مانند مراسیل ابن عمیر یا مشایخ ثلاثه و اصحاب اجماع.
- ۶- وجه تسمیه معلق: از بالا متصل است ولی از طرف پایین منقطع و آویزان.
- ۷- تعلیق در «من لا یحضر» که اکثرا با مراجعه به مشیخه پایانی کتاب حل می شود.
- ۸- تعلیق در کافی که اکثرا با مراجعه به حدیث قبل حل می شود.

## ۳- مضمیر (ملحق به تقسیم قبل)

- در لغت:** اسم مفعول از اضممار به معنای «اخفاء».
- در اصطلاح:** نیاوردن نام معصوم در انتهای سند و به جای آن ضمیر غائب می آورند. مخصوص شیعه.
- عوامل پیدایش اضممار:** ۱- تقیه. ۲- عدم احساس نیاز راوی به ذکر نام امام (ع)
- مک:** اگر مرجع ضمیر معلوم شود که معصوم است، اعم از صحیح.

## تقسیم پنجم: اقسام دیگر ضعیف

### ۱- مهمل

- در لغت:** اسم مفعول از «أهمل الشيء». ترک کردن عمدی یا سهوی
- در اصطلاح:** عدم ذکر نام حداقل یک راوی در کتب رجالی.

### ۲- مجهول

ذکر نام راوی در کتب رجالی بدون تعیین حال یا عقیده آنها.

### ۳- متروک

راوی آن متهم به کذب است. (مخصوص سند است)

### ۴- مطروح

متنی که مخالف با دلیل قطعی بوده و قابل تأویل هم نباشد.

**نکته:** در کتب رجالی الفاظ فوق برای ذو راوی بکار می رود.

### ۵- معلل

**در لغت:** اسم مفعول از «علله». مرض یا به معنای «سبب»

**در اصطلاح ممدتان:** حدیثی که شامل امر خفی و پوشیده در متن یا سند باشد که به اعتبار آن لطمه می زند در حالیکه ظاهر حدیث

مشکلی ندارد. حکم اعم از صحیح.

**در اصطلاح فقیهان:** حدیثی که مشتمل بر ذکر حکم و سبب هم باشد. اعم از صحیح.

## ۶- مدلس

**در لغت:** اسم مفعول از «تدلیس». کتمان عیب کالا از مشتری

**در اصطلاح:** پنهان کردن عیب کالا عمدی

- انواع
- ۱- تدلیس در اسناد: روایت از کسی که او را ملاقات کرده یا هم عصر اوست در حالیکه از او نشنیده، همراه ایجاد توهم که از او شنیده است (ضعیف)
  - ۲- تدلیس در شیوخ: روایت از شیخی که به دلایلی به جای ذکر اسم او، از القاب یا کنیه های غیرمشهور استفاده می کند. (اعم از صحیح)

**موضوع در لغت:** اسم مفعول از «وضع». به معنای جعل در اصطلاح: حدیث ساختگی. (بدترین اقسام ضعیف است)

## تقسیم ششم: عمل علما به مضمون آن

- ۱- **مقبول:** علما مضمون آن را قبول کرده و بدان عمل کرده اند. (اعم از صحیح ولی بیشتر برای ضعیف)
- ۲- **معتبر:** به مضمون آن عمل شده یا دلیلی بر اعتبارش وجود دارد حال صحیح باشد یا ضعیف و ... (اعم از مقبول)
- ۳- **مردود:** خبری که بخاطر عدم اطمینان به صدقش، بدان عمل نمی شود. (اعم از صحیح)

## تقسیم هفتم: در مقایسه با حدیث دیگر

- ۱- **شاذ:** حدیثی که از ثقه روایت و مخالف با روایت جماعت دیگر باشد و یک سند هم بیشتر ندارد. مانند حدیث وضو با گلاب
  - ۲- **نادر:** مترادف با شاذ.
  - ۳- **محمفوظ:** حدیث مشهوری که حدیث شاذی با آن مخالف باشد. مانند حدیث باطل بودن وضو با گلاب
  - ۴- **منکر:** غیر ثقه روایت کند و مخالف با روایت جماعتی باشد و یک سند بیشتر ندارد. (ضعیف)
  - ۵- **معروف:** در مقابل منکر یعنی روایت، شایع است.
- تفاوت بین مشهور، محفوظ و معروف:** مشهور شایع است چه روایت شاذ یا غیر شایع در مقابل آن باشد یا نباشد برخلاف محفوظ زیرا مشهوری است که در مقابلش روایت شاذ باشد و معروف، مشهوری است که در مقابلش، حدیث منکر باشد.

## تقسیم هشتم: تغییرات در سند و متن

- ۱- **مدرج:** حدیثی که در سند یا متنش تغییر ایجاد شده به سبب داخل کردن چیزی در آن.
- در متن:** وارد کردن کلام بعضی از روات که گمان برده شود جزء حدیث است.
- در سند:** وارد کردن صفت، لقب، کنیه یا اوصاف دیگر در سند که گمان برده شود جزء سند بوده است.

## ۲- مقلوب :

در لغت : تحویل الشی من وجهه

در اصطلاح : جابجایی لفظ در سند یا متن حدیث . مانند «لا تعلم یمینه ماتنفق شماله»؛ اصلش : «لا تعلم شماله ماتنفق یمینه».

## ۳- مصحف :

در لغت : خطا در نوشتن

در اصطلاح : حدیثی که بعض سند یا متنش با چیزی که شبیه به آن یا نزدیک به آن است، تغییر کرده است. «برید و یزید»

نکته : گاهی هم تصحیف در معنا رخ می دهد مانند سخن پیامبر که فرمودند به سمت «عنزه» نماز می خواندند که معنای آن عصای

کوتاه است که برای جلوگیری از رفت و آمد دیگران گذاشته می شد اما ابوموسی عنزی فکر می کرد که منظور قبیله آنها است.

معرف : در لغت : تغییر کلام.

در اصطلاح : مترادف با تصحیف.

## تقسیم نهم : در مقایسه با احادیث مشابه خود

۱- مزید : حدیثی که در مقایسه با احادیث مشابه خود ، معنای زائد داشته باشد. گاهی در متن و گاهی در سند مانند «جعلت لنا الارض

مسجدا و ترابها طهورا» که بعضی آن را اینگونه نقل کرده اند: « جعلت لنا الارض مسجدا طهورا».

## ۲- مضطرب :

در لغت : اختلاف

در اصطلاح : دو حدیث مشابه که در متن یا سند اختلاف داشته باشد بطوری که یکی مخالف دیگری باشد. مانند اینکه راوی یک بار

از پدرش نقل کند و در سندی دیگر از جدش نقل کند.

## ۳ و ۴- عالی و نازل :

دو حدیث مشابه هر کدام که سلسله سند آن کمتر باشد ، عالی و دیگری را نازل گویند(برخی مقید به اتصال هم کرده اند)

## تقسیم دهم : شباهت های مکرر

## ۱- مسلسل :

در لغت : اتصال شیء به شیء دیگر.

در اصطلاح : حدیثی که رجال آن بصورت متوالی دارای اسم، صفت و یا حالت مشابهی باشند. (اگر در بخشی از سند = تسلسل ناقص)

۲- معنعن : قول راوی که با «عن فلان عن فلان» شروع شود و متعلق جار ذکر نگردد. برخی از انواع آن منقطع(اسم مفعول من «عنعن»)

**۳- مؤن:** قول راوی: حدثنا فلان أن فلان قال ... ، حکم مانند معنعن. (اسم مفعول من «أن»)

## تقسیم یازدهم: اشتراک در نام

**۱- متفق و مفترق:** هر دو اسم برای یک سند که بعضی روایات موجود در آن اسم و نام پدرشان یکی است ولی خودشان متفاوت هستند.

**وجه تسمیه:** روایات در نام متفق و در مصداق مفترق هستند.

**۲- مشترک:** حداقل یک راوی آن مشترک بین ثقه و غیرثقه باشد.

**فرق با متفق و مفترق:** در اولی همه روایات می توانند ثقه باشند ولی در مشترک خیر.

**۳- مؤتلف و مختلف:** در سند؛ نام، لقب یا کنیه کسی نقل شود که به دو گونه ممکن است خوانده شود ولی در کتابت یکسان است

مانند «برید» و «یزید».

## بخش چهارم: اصطلاحات مربوط به کتب حدیثی

**۱- اصل:** روایاتش برگرفته از کتب دیگر نباشد، نقل راوی بدون واسطه از معصوم. «اصل زید زراد»

**۲- مصنف:** تمام یا اکثر احادیث به نقل از کتب دیگر است یا سخن مؤلف به قدری زیاد که به آن کتاب روایت نمی گویند.

**۳- نسخه:** مجموعه روایاتی که از خط امام استنساخ شده است. «نسخه خالد بن طهمان»

**۴- رساله:** نامه امام به دیگران. «رساله حقوق امام سجاده»

**۵- مسائل:** جواب کتبی یا شفاهی امام به سؤالاتی که از ایشان می شود. «مسائل علی بن جعفر»

**۶- توفیق:** سؤال از امام و خالی گذاشتن محل پاسخ که توسط امام با خط خودشان جواب داده می شود.

**۷- نوادر:** مجموعه احادیث متفرقه که تحت عنوان مستقلی جمع نمی شوند.

**۸- کتاب:** یک عنوان عام است.

**۹- جامع:** در اهل سنت کتابی است که تمام ابواب هشتگانه را دارد: ۱- عقاید. ۲- احکام. ۳- رفاق. ۴- آداب خوردن و آشامیدن.

۵- تفسیر، تاریخ و سیره. ۶- شمایل (سفر و نشستن و برخاستن). ۷- فتن. ۸- مناقب و مثالب. «جامع ترمذی»

در شیعه کتابی که تمام ابواب فقه را داشته باشد حال عقاید و تفسیر و ... را دارا باشد یا خیر. «تهذیب»

**۱۰- سنن:** بر اساس ابواب فقهی طبقه بندی شده است. «سنن نسائی و سنن ترمذی»

**۱۱- مسند:** تنظیم روایات به ترتیب صحابه.

**فرق بین مسند و سنن:** سنن بر اساس موضوعات مرتب شده بدون مراعات اصحاب و مسند برعکس.

- ۱۲- معجم:** ذکر احادیث به ترتیب صحابه، شیخ و قبایل و معمولاً به ترتیب حروف الفبا. «معجم طبرانی»
- ۱۳- مستدرک:** متمم کتابی دیگر یعنی ذکر احادیثی که با توجه به شروط خود کتاب، در کتاب ذکر نشده است. «المستدرک علی الصحیحین»
- ۱۴- مستخرج:** مؤلف، احادیث کتابی را در نظر گرفته و آنها را نه با طریق صاحب کتاب بلکه از طریق اساتید خویش نقل می کند.
- افراج و تفریح:** هر دو به معنای ذکر روایت ولی تخریح نقل قسمتی از حدیث که مورد نیاز است و اخراج نقل تمام حدیث است.
- ۱۵- تخریح:** نقل از باب استشهاد یا استدلال بدون ذکر مرجع و سند و سپس عده ای به منبع شناسی این روایات می پردازند و کتاب تخریح را تألیف می کنند.
- ۱۶- اطراف:** در لغت نوک و لبه هر چیز و در اصطلاح، مؤلف به ذکر قسمتی از حدیث اکتفا کرده البته قسمتی که دلالت بر مابقی هم بکند، سپس طرق و اسانید را به نقل از مآخذ دیگر ذکر می کند.
- ۱۷- امالی:** شیخ حدیث آن کتاب را در مجالس متعدد املاء می کند (برای همین به آن مجالس هم می گویند). «امالی شیخ مفید»
- ۱۸- جزء:** مجموعه ای که فقط از یک شیخ نقل شده یا پیرامون یک مطلب می باشد. «جزء فی صلوة الضحی از سیوطی»
- ۱۹- صحیح:** طبق نظر مؤلف، احادیث آن صحیح هستند. «صحیح مسلم»

## بخش پنجم: اصطلاحات مربوط به طرق تحمل

**۱- سماع:** بهترین طرق، استاد حدیث را از حفظ یا نوشته می خواند و شاگرد می شنود حال حفظ کند یا بنویسد.

**الفاظ:** سمعت، حدثنی، اخبرنی، اخبرنا

**۲- قرائت (عرض):** عرضه حدیث توسط شاگرد یا فرد دیگر به استاد و تأیید آن توسط استاد.

**الفاظ:** قرأت علی، قرئ علیه، أنا أسمع فافر، حدثنی قراءة علیه، اخبرنی قراءة علیه

**۳- اجازة:** شیخ اجازة نقل کتاب یا روایت خاص یا همه روایاتی را که خود نقل کرده به شاگرد می دهد.

**الفاظ:** حدثنی اجازة

**۴- وجاهه:** یافتن متن کتاب یا حدیثی از مشایخ حدیث و یقین کند که خط او می باشد.

**الفاظ:** وجدت بخط فلان ( در صورت عدم اطمینان: بلغنی عن فلان)

**۵- کتابت:** نوشتن روایت توسط شیخ برای شاگرد.

**الفاظ:** كتب إلى فلان، حدثنی یا اخبرنی کتابة

# در آیه الحدیث

**۶- مناوَله:** قراردادن کتاب در اختیار شاگرد توسط شیخ حال با اجازه باشد یا خیر .

الفاظ: حدثنی یا أخبرنی مناوَله

**۷- اعلام:** شیخ به شاگرد اعلام می کند که فلان حدیث، سماع یا روایت من از فلانی است .

الفاظ: أعلمنا فلان.

**۸- وصیت:** شیخ وصیت می کند که فلان کتاب حدیثی برای فلان شخص باشد.

الفاظ: أوصی إلی فلان بكذا.

## فوائد آشنایی با طرق تحمل

- ۱- آشنایی با طرق معتبر و غیر معتبر: مثلاً بعضی وجاده و اجازه به معدوم را معتبر نمی دانند.
- ۲- ترجیح بین روایات: برتری برخی طرق بر برخی دیگر در تعارض بین روایات مانند برتری سماع بر کتابت.
- ۳- تعیین طبقهٔ راهی و اتصال و انقطاع سند: برخی اصطلاحات صراحت در ملاقات دارند مانند سمعت
- ۴- تدلیس: اگر فردی از طرق پایین تر روایت را تحمل کرده ولی از لفظ طرق بالاتر استفاده کند، تدلیس نموده است.

## حیلوه یا تحویل

در لغت: حیلوه = فاصله شدن ، تحویل = انتقال .

در اصطلاح: انتقال از سندی به سند دیگر یعنی ذکر متن حدیثی که با دو یا چند سند نقل شده به صورت یکجا.